



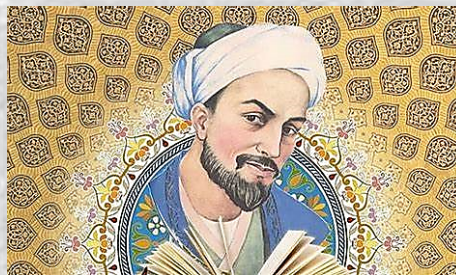
آموزش همکوب در راستای یادگیری بهتر و سریعتر

نام درس: دناى ادیب نام دبیر: غزاله صادق زاده

مبحث: گلستان (حکایت ۱۲)

مقطع: دبستان پایه: چهارم - پنجم - ششم





حکایت ۱۲

زاهدی مهمان پادشاهی بود. چون به طعام بنشستند کم تر از آن خورد که ارادت او بود و چون به نماز برخاستند بیش از آن کرد که عادت او بود تا ظنّ صلاح در حقّ او زیادت کنند.

کاین ره که تومی روی به ترکستان است

ترسم نرسی به کعبه ای اعرابی

چون به مقام خویش باز آمد سفره خواست تا تناولی کند. پسری داشت صاحب فرّاست. گفت: ای پدر، باری به دعوت سلطان طعام نخوردی؟ گفت: در نظر ایشان چیزی نخوردم که به کار آید. گفت: نماز را هم قضا کن که چیزی نکردی که به کار آید.

عیب ها بر گرفته زیر بغل

ای هنرها نهاده بر کف دست

روز درماندگی به سیم دغل؟

تا چه خواهی خریدن، ای مغرور

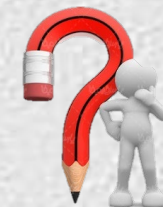
باب دوم: در اخلاق درویشان





شرح واژگان و دشواری ها

ارادت: میل	طعام: غذا	زاهد: پارسا-پرهیزکار
صلاح: درست	ظن: گمان	بیش از آن کرد: بیش تر از آن انجام داد
اعرابی: عرب صحرائنشین	ترسم: می ترسم	زیادت: زیاد
تناول: خوردن	مقام: جایگاه	ترکستان: ناحیه ای در شمال آسیا
کاین: که این	به کار آید: سودمند باشد	صاحب فراست: باهوش
روز دررماندگی: قیامت	بر گرفته زیر بغل: پنهان کردن	نهاده بر کف دست: خودنمایی کردن
	سیم دغل: پول تقلبی	سیم: نقره



درک مطلب

۱- چرا زاهد در مهمانی پادشاه به اندازه ی کافی غذا نخورد؟

۲- چرا پسر زاهد از او خواست که نمازش را قضا کند؟

۳- سعدی با بیان این حکایت ما را از چه صفتی بر حذر می دارد؟





مجمع آموزشی هوشمند خدیجه کبری (س)

www.kksec.org

<https://instagram.com/khadijekobra1368>